

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

نوشته ای از: زنده یاد داد نورانی، پیشرو شماره ۱۳ دلو ۱۳۸۵
فرستنده: نشریه پیشرو
۲۳ اکتوبر ۲۰۱۳

محمودی،

اسطوره مقاومت و پایداری

داکتر عبدالرحمان محمودی یکی از فرزندگان دانش، قلم و مبارزه بود که نسلی را در دامن افکار و مبارزاتش پرورد و هرگز در برابر استبداد و خفقان زانو نزد و صخره وار در مقابل نابرابری ها ایستاد.

داکتر محمودی رهبر حزب خلق و پیشوای طیف وسیعی از مردم افغانستان بود که در زمان دموکراسی شاه محمود خان ندای خلق را منتشر می ساخت و در آن از عدالت و آزادی می نوشت، خواهان حکومت مشروطه بود و در مخالفت با سرمایه های غربی که بنیادهای اقتصاد ملی کشور را فرو می ریخت، قرار داشت و با این طرز تفکر میان شهروندان کابل از اعتباری برخوردار بود که تا اکنون بسیاری مردم کابل از عزم و پایداری او صمیمانه یاد می کنند و به آن مباحثات می نمایند.

یکی از مشخصات داکتر محمودی توانایی او در سخنوری و زبان آتشینش بود که هر فردی را به احساسات وای می داشت و محصور کلامش می ساخت. او که استبداد هاشم خانی را با تمام وجودش لمس کرده بود، به مجردی که دموکراسی شاهی شاه محمودخانی اعلان شد، دست به تشکیل حزب و نشریه ندای خلق زد و اوج فعالیتش در انتخابات دوره هفت شورای ملی بود که با بیانات انتخاباتی اش ماهیت رژیم پوسیده شاهی را برملا ساخت و توانست با کسب بیش از ۱۳ هزار رأی، دوشادوش همزمز فداکارش غلام محمد غبار به پارلمان راه پیدا کند. کابلیان تیزبین و هوشیار که از قبل با فداکاری های محمودی در انجام وظیفه و رسیدگی به تداوی زحمتکشان و فقراء آشنائی داشتند و او را مبارز راه رهایی خلق می شناختند و غبار را چون او چنین مبارزی می دانستند، با وجودی که چند تن از متنفذین و روحانیون نامدار خود را کاندید این نمایندگی کرده بودند ولی نتوانستند مانند این دو شهسوار عرصه دشوار مبارزه، اعتماد مردم کابل را بدست آورند و به وکالت از شهر کابل برسند.

محمودی با ۵۰ تن از روشنفکران و مبارزانی که از نقاط مختلف کشور به شورای ملی راه یافته بودند، ولسی جرگه را به مجمری از خواست های توده های مردم در برابر استثمارگران لمیده بر قدرت تبدیل نمودند. اما در آغاز انتخابات دوره هشت که خاندان پوسیده شاهی از دموکراسی سخت ترسیده بودند و قانون مبارزه و مقاومت را در وجود داکتر محمودی و غبار می دیدند، بر تمام وعده های شان پا گذاشته و این دو را به زندان انداختند. داکتر محمودی چندین سال را در قفسی در زندان دهمزنگ گذراند، ولی کنده و زندان عزم آهنین و فکر بلند او را از پا

درنیاورد. محمودی روزتا روز با اعتماد بیشتر به اعتقاداتش، دیوارهای زندان و شلاق زندانبانان را تسخیر می کرد و بالاخره مانیفیست زندگی اش را که تأکید بر پایداری، اتکاء بر توده ها و اعتقاد به دانش رهائی خلق بود، نوشت و وقتی از زندان رهائی یافت، میکروب سل بر سلول سلول بدنش مستولی گشته بود و دیری نگذشت که زندگی را پدرود گفت و کابلیان را در اندوه عمیقی فرو برد. بقایای ندای خلق بالاخره اصالت شان را با بنیانگذاری جریان شعله جاوید در مبارزه با استثمار، ارتجاع، امپریالیزم و دفاع از زحمتکشان افغانستان ادامه دادند.

۱۳۸۵/۱۱/۲۱ ۰۹:۵۰ ب.ظ